«مسئله حجاب، دسیسه‌های دشمن و کارکرد نهادهای مسئول»
در گفت و شنود با دکتر فرشته روح افزا- بخش نخست

معضل بی‌حجابی در مرزی تعیین شده متوقف نمی‌ماند

■ سمانه صادقی

موضوع رعایت حجاب اسلامی در جامعه، از آن دست مقولاتی است که از فردای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، هماره محل اظهار نظرهای گوناگون و چالش‌های فراوان بوده است. از سوی دیگر و با آغاز اغتشاشات سال گذشته، دشمنان دین، فرهنگ و هویت مردمان این دیار، تصمیم گرفتند تا از طریق قبح شکنی در این حوزه، به مواجهه با نظام اسلامی بپردازند. با این همه به قاعده شدن حجاب در جامعه ما، نیازمند یک تلاش فراگیر و قدرتمند علمی- عملی است که تلاش همه عناصر و جریانات دلسوز را می‌طلبد. در گفت و شنود پی آمده، دکتر فرشته روح افزا استاد دانشگاه و فعال امور زنان، در این باره به بیان دیدگاه‌های خویش پرداخته است. نخستین بخش از این مصاحبه را هم اینک پیش روی دارید.

■■■

ارزیابی شما از وضعیت کنونی رعایت حجاب اسلامی در جامعه، به ویژه پس از اغتشاشات سال گذشته چیست؟ آیا در این باره، شاهد اوج هستیم یا افول؟

کلاً با این نوع نگاه که بنده یا دیگری فرآیند جاری درباره حجاب را ارزیابی کنیم ،مخالفم .این به معنای نگاه غیر علمی ،به این مسئله است .ما حتماً باید یک پایش و کار تحقیقاتی درست ،در این رابطه انجام دهیم .اصلاً درست نیست که مثلاً جامعه آماری ما ،پارک ملتِ تهران باشد !ما برای ارزیابی وضعیت حجاب و عفاف ،باید علاوه بر تهران، همه شهرستان‌ها از شمال ،جنوب ،شرق و غرب کشور را مورد بررسی قرار دهیم .چون میزان رعایت حجاب ،در هر کدام از این نقاط متفاوت است .لذا این جمع‌بندی‌ای که خدمتتان عرض می کنم ،برداشت شخصی خودم نیست. بر اساس تحقیقات و پایش‌های مختلفی است که انجام گرفته و من آنها را مطالعه کرده‌ام .اگر بخواهیم وضعیت حجاب و پوشش مناسب را به نسبت سال گذشته مقایسه کنیم ،می‌توان گفت که از آن تنش اولیه خارج و شرایط مقداری بهتر شده است ،ولی هنوز اقناع کننده نیست. چراکه همچنان در برخی از مراکز ،رعایت چندانی در این زمینه وجود ندارد .این حالت در پردیس‌های سینمایی، رستوران‌ها و آموزشگاه‌های زبان ،بیشتر مشاهده می‌شود. البته در بعضی مراکز نیز ،وضعیت حجاب بهتر شده است. برای اینکه به پاسخ سؤال شما برسیم ،بهتر است که ارزیابی دقیقی از میزان حضور زنان و دختران ،در مراکزی که به دلیل شرایط ویژه سال گذشته ،حتی یک نفر باحجاب در آنها مشاهده نمی‌شد ،داشته باشیم .از سوی دیگر مثلاً امروزه به بهشت زهرا هم که می‌رویم ،چند نوع پوشش می‌بینیم .برخی حجاب کاملی دارند ،بعضی حجاب نصفه و نیمه‌ای را رعایت می کنند ،تعدادی هم حجاب را رعایت نمی کنند !وضعیت حجاب در جایی که اساساً متذکر مرگ است ،به این شکل درآمده ،حال چه رسد به کافی شاپ‌ها، رستوران‌ها ،سینماها ،مراکز خرید و غیره .لذا همانطور که اشاره شد ،برای اینکه ارزیابی مناسبی از موضوع داشته باشیم ،نخست نیازمند آن هستیم که رصد دقیقی انجام دهیم .علاوه بر این باید تحلیل کنیم که چرا بی‌حجابی در میان قشر مرفه و جوانان بیشتر دیده می‌شود .همچنین باید وضعیت تأمل این افراد نیز ،بررسی شود .بعضی از این افراد، معاندند و از خارج کشور دستور می گیرند .اما برخی هم چون در سن ازدواج هستند ،برای دیده شدن چنین رفتار می کنند !باید هر کدام از اینها را ،جداگانه مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم .من برای مسئله بی‌حجابی ،حدود ۳۵ نوع انگیزه پیدا کرده‌ام !اما علاوه بر استخراج انگیزه‌ها، نیاز داریم که راهکار هم پیش‌بینی کنیم .باید در این باره، کار پژوهشی بسیار بیشتری انجام شود .با این رویکرد هم مخالفم که در این بحث‌ها ،از اساتید دانشگاه‌های مختلف نظرخواهی کنیم .چون بسیاری از آنها مواضع سیاسی دارند و آن را در ارائه دیدگاه‌های علمی ،دخالت می‌دهند .لذا معمولاً ارزیابی علمی انجام نمی‌دهند و جمع‌بندی‌هایشان سیاسی است !یکی مثل من هم که پست و مقامی داشته باشد ،برای از دست ندادن جایگاهش ،ارزیابی درستی ارائه نمی کند !لذا ما باید با استفاده از افراد بی‌طرف و بدون تصمیم گیری‌های پیشین ،پژوهش‌هایی انجام دهیم. البته از این اندیشکده‌های زنان و مطالعات خانواده هم، ناامید هستم !ارزیابی‌های آنها را هم دیده‌ام و در کار آنها نیز ،نقایص زیادی دیده می‌شود .ما نیاز به یک گروه ارزیابی دقیق داریم که مراکز اطلاعاتی و ناجا هم در آن سهیم باشد. چون سویه‌های امنیتی ماجرا را هم ،باید در اختیار داشته باشیم .اینکه چقدر این مسئله در سال گذشته امنیتی شد؟ و چه کسانی حاضر هستند تا سرحد کشته شدن ،پای این ارزش بایستند و سرنوشتی مانند شهیدان روح‌الله عجمیان یا آرمان علی‌وردی پیدا کنند؟ در سال گذشته چنان وضعیت رعب‌آوری حاکم بود که خانم چادری به راحتی نمی‌توانست به خیابان‌ها برود !الان هم نمی گویم که در شرایط مطلوب هستیم ،ولی بحمدالله از آن وضعیتی که عده‌ای در خیابان و مترو معرکه می گرفتند و خود را برای انجام هر کاری آزاد می‌دیدند ،فاصله محسوسی گرفته‌ایم. باید همه این مسائل را ارزیابی و انگیزه‌ها را استخراج کنیم که به چه علت رخ دادند .بالاخره هر پدیده‌ای ،ریشه‌ای دارد. مثلاً دختری پدرش معتاد است و باید کار کند .غیر از آنکه وجود فرد معتاد در خانه موجب افسردگی می‌شود ،حال در بیرون کسی هم به آن دختر پیشنهاد فلان مقدار دلار می کند که پوششی نامتعارف داشته باشد .فی‌الواقع این فرد را نمی‌توان معاند به حساب آورد .باید رفتارش را ریشه‌یابی کنیم .البته شرایط همه هم اینطور نیست .یک عده افراد متمول هم هستند که اصلاً سبک زندگی اسلامی و حجاب را دوست ندارند .یا مثلاً معلمان فلان مدارس به عنوان کسانی که کار فرهنگی می کنند ،مثلاً ناخن مصنوعی دارند و در قول و عمل ،تبلیغ بی‌حجابی می کنند .به نظرم ما باید برای ارزیابی صحیح این مسئله ،یک پویش علمی داشته باشیم و برای اقشار مختلف ،راهکاری مخصوص به آنان را پیدا کنیم.

یک سال گذشته و ظاهراً هنوز اتفاقی در این باره نیفتاده است! چندسال دیگر باید بگذرد، تا این پویش علمی انجام شود؟

چرا شما از سال گذشته به این سو را، مبنا قرار می‌دهید؟ ما از اول انقلاب تا به حال، در چه دوره‌ای این کار را کردیم؟...

ولی پیدایش بی‌حجابی با این مختصاتی که اکنون مشاهده می کنیم، از سال گذشته کلید خورد و در برخی اماکن رو به توسعه است؟

ما آن پویش را برای ارزیابی خودمان می‌خواهیم، نه برای اینکه جامعه را اقناع کنیم. آن پویش را انجام می‌دهیم که گزارش صحیحی به دست کسانی که صاحب نظر هستند، برسد. آن ارزیابی کمکی نمی کند که بلافاصله روشنگری اجتماعی صورت گیرد. بلکه کمک می کند تا آن کسانی که در کارهای فرهنگی برنامه‌ریز هستند، عملکرد بهتری داشته باشند. به نظرم حتماً شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت خانه‌های علوم و آموزش و پرورش و بسیاری از نهادهای مرتبط دیگر، باید به این مسئله ورود پیدا کنند. ما وقتی علت پیدایش یک ویروس را پیدا کنیم، راه‌حل نابودی‌اش را هم پیدا می کنیم. کار فرهنگی هم، به همین شکل است. باید ببینیم علت چیست که برای آن راهکار بیابیم. راهکارها هم، باید کاملاً ناظر به کارشناسی مسئله باشد. البته اکنون به عنوان راهکار، به فکر نوشتن لایحه حجاب و عفاف و اجرای آن افتاده‌اند. قانونی بنویسند که مردم حجاب را رعایت کنند. همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند: حجاب یک امر شرعی است. به همین دلیل بنده عرض می کنم که در رعایت این امر شرعی باید حساسیت‌ها و ظرافت‌های کار را در نظر گرفت. مثلاً دختر ۱۴- ۱۵ ساله‌ای بی‌حجاب است، سبک زندگی خارجی را هم در فضای مجازی دیده و طبیعتاً دوست دارد که آنطور زندگی کند. آیا برای او و در آن سن، پرونده قضایی ساختن منطقی به نظر می‌رسد؟ آن هم در دادگاه‌هایی که همه می‌دانیم، معضل تعداد فراوانِ پرونده و کمبود قاضی دارند. با چنین شرایطی، فرآیندِ رسیدگی در آن دادگاه، مدتی طولانی می‌طلبد. تا آن زمان، تکلیف این دختر چه می‌شود؟ از طرفی دادگاه هم طبق آنچه مقرر شده، باید او را جریمه کند. حال آدمی که به نان شبش هم محتاج است، را چگونه می‌توان جریمه کرد؟ آیا معضل حجاب، تنها با این رویکردها قابل حل است؟ یعنی من با کشاندن یک نوجوان به دادگاه، می‌خواهم به او بگویم که حجاب برایت خوب است؟ البته خوشبختانه نام جرم روی آن نگذاشته‌اند، ولی همین که پای فرد به دادگاه باز شود و قبح قوه قضاییه بریزد، کافی است که رویکردی را ناکارآمد کند. این در حالی است که خیلی از مردم دوست ندارند که پرونده‌ای در این زمینه داشته باشند و شأنیت خانوادگی نیز، به آنها چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. چند روز پیش در رادیو هم گفتم که در تصویب این قانون، بین انگیزه دختر ۱۵ ساله‌ای که در شهرستان با خانواده دعوایش شده و به تهران فرار کرده، با سلیبریتی‌ای که از خارج پول می گیرد، تفاوتی قائل نشده‌ایم! به همین دلیل معتقدم که باید درباره انگیزه و نوع ارتکاب بی‌حجابی، دقت‌های بیشتری صورت گیرد.

بعد از گذشت ۴۴ سال، ما همچنان شاهد ترک فعل و کم کاری دستگاه‌های مسئول در این باره هستیم. چند سال دیگر باید بگذرد که شاهد انجام اقدامی درست و متناسب باشیم؟

این را باید از کسانی که متولی هستند و نقش و توان دارند، بپرسید. البته ما نمی‌توانیم که با همه افراد، یک نوع رفتار داشته باشیم. اینکه باید یک عده بابت این مسئله جریمه شوند، درست است. اما آن مغازه داری که بابت برپایی جشن تولد در مغازه‌اش، پول می گیرد که دختران بی‌حجاب در آن برقصند، باید هم جریمه و هم دکانش تعطیل شود. چون آن مغازه‌دار می‌داند که دارد چه می کند. اما با افرادی که در جامعه تابع فضای مجازی، مُد، فیلم، سلیبریتی‌ها و امثالهم هستند، نمی‌توان یکسان برخورد کرد. برخوردها را حتماً باید دسته‌بندی کنیم. باید معاند، دانا، نادان و حتی سنین و شغل‌های مختلف، از یکدیگر تفکیک شوند. یک خانم کارگر بی‌حجاب، با خانمی که استاد دانشگاه و بی‌حجاب است، یکی نیست. علاوه بر این باید برای هر کدام از اینها، راه حل جداگانه‌ای در نظر گرفته شود. همان استاد دانشگاه هم، باید اقناع فرهنگی شود. یعنی آن پویش باید منجربه طرحی شود که برای افراد مختلف در جامعه آگاهی و اعتقاد به همراه بیاورد. این اقدام از دو حال خارج نیست، یا آن فرد می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد. مانند آن جلساتی که همه نوع آدمی دسته‌جمعی بروند و باهم یک نوع تذکر بگیرند، نیست. باید به گروه‌های مختلف، به اشکال گوناگون

الان مسئولان ما منتظر لایحه حجاب و عفاف هستند که من اصلاً این رفتار را نمی‌فهمم! چون ما مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را داریم. طبق این مصوبات، دستگاه‌ها باید پاسخگو باشند. باید آموزش عالی را بابت اتفاقی که در پردیس کیش رخ داد، زیر سؤال ببریم. چون دانشگاه کانون علم است، نه اینگونه نمایش‌ها. آموزش و پرورش هم باید جوابگو باشد. چون غیر از مسئله بی‌حجابی دانش آموزان، طیفی از معضلات دیگر نیز به وجود آمده است

دلایل حجاب و عفاف را ارائه دهیم. من باب مثال اینکه: آیا حجاب منفعت شخصی دارد، یا ندارد. من در رادیو همدان، چند هفته‌ای است که در خصوص منافع شخصی حجاب صحبت می کنم. همه مقاله‌های مورد استنادم نیز، خارجی است. در نظر داشته باشید که آنها، برای دفاع از حجاب آن مطالب را ننوشته‌اند. نویسندگان آن مقالات معتقدند که اگر پوشش تو به گونه‌ای باشد که مورد تعرض قرار بگیری، در هویتت به اشکال برخواهی خورد. لذا معتقدم اگر مردم ما اقناع می‌شوند که برای سلامتی‌شان در خیابان ماسک بزنند، پس برای سلامت خانواده، فرد و اجتماع هم، می‌توان به آنها آگاهی داد و اقناعشان کرد. معتقدم که ما، همه آن جنبه‌های علمی و اقناعی را در اختیار داریم و این امر، زمان خیلی زیادی نمی گیرد. فقط باید اینها را جمع‌آوری و دسته‌بندی کنیم. باید با این افراد وارد گفت‌وگو شویم، نه اینکه کسی را بیاوریم که در یک جلسه برای تمامی آنها صحبت کند. این مسئله طرح دارد و البته من نمی‌خواهم در این مصاحبه، طرح را بگویم. طرحی که برای این منظور در نظر گرفته شده، کاملاً قابل اجرا است. طبق آن طرح اگر فرد در یک مرحله اقناع نشد، در مرحله بالاتر می‌شود. نهایتاً به مرحله‌ای می‌رسیم که در مورد افرادی بسیار معدود، لجبازی و عناد بر ما ثابت می‌شود. با کسانی که عناد دارند و از همان مرحله اول و متأثر از تبلیغات مسموم رسانه‌های خارجی این کار را می کنند، باید برخورد شود. کسانی هم هستند که به واسطه ناراحتی‌هایی چنین رفتاری دارند. اینها باید غربال شوند و نهایتاً در آخر کار، تعداد کمی باقی خواهند ماند. مثلاً خانم بی‌حجاب اگر بفهمد که همسرش به خانم زیباتر از او و آرایش کرده نگاه می کند، حتماً عصبانی می‌شود! ما در این مورد، لازم نیست که از دین برای او بگوییم. همین که درصد اختلافات خانوادگی در این حوزه را برای او بیان کنیم، کافی است. بالاخره امروزه معضلات و آسیب‌های بی‌حجابی، گریبان بسیاری را گرفته است. آقا فروشنده مغازه است و خانم از این مسئله راضی نیست و می گوید: باید شغلش را عوض کند، چراکه خانم‌ها از او خرید می کنند! از این موارد در مشاوره خانواده، الی ماشاءالله داریم. باید منافع حجاب و عفاف را برای افراد و اقشار مختلف تشریح کنیم. باید راجع به این مسائل، فیلم و کلیپ درست کنیم و محصول فرهنگی ارائه دهیم. نمی گویم کتاب‌هایی که تابه‌حال در این زمینه داشته‌ایم، بد بوده‌اند. کتاب خوب مذهبی، برای اقشاری که می‌خواهند از نظر قرآنی اقناع شوند، داریم، ولی نه برای کسی که اعتقادی به این حرف‌ها ندارد. هنوز به این مسائل ورود پیدا نکرده‌ایم.

اشاره کردید که در مواجهه با دختران مهاجر یا فراری، باید سماجت به خرج داد. یک نمونه از این افراد، سپیده رشنو است که از دهِ محل سکونت خود و خانواده‌ای سنتیِ- مذهبی، به تهران فرار کرده و به کار ایجاد خوراک تبلیغی برای ضدانقلاب مشغول شده است. در باره نحوه رفتار با اینگونه افراد، چه نظری دارید؟

آنچه گفتم، تنها یک مثال بود. بله. امثال این دختر خانم که جذب گروه‌های معاند می‌شوند، هم هستند. چون با امثال این تیپ روبه‌رو بوده‌ام، می گویم. مسئله این است که بسیاری از این دختران، حقیقت

معتقدم که تداوم وضعیت کنونی، اول به خود خانم‌های بی‌حجاب آسیب می‌زند و هویت را از دختران ما می‌گیرد. بی‌مبالاتی در حوزه پوشش و جلب توجه هرچه بیشتر، زمینه ساز روابط آزاد و بی‌حد و مرز است. در اینگونه مناسبات آزاد، دختران جوان و حتی خانم‌ها به شدت آسیب پذیر هستند. چراکه دلبستگی و وابستگی عاطفی پیدا می کنند و سپس زده و منزجر می‌شوند! در چنین شرایطی، افراد دلزده نمی‌توانند یک زندگی پایدار و خوب تشکیل یا به آن ادامه دهند

را نمی‌دانستند. با چندنفر از آنها صحبت و مسئله را ریشه‌یابی کردم. بعضی از آنها خانواده‌های متعصب داشتند که به زور به رعایت حجاب وادارشان می‌کردند. ما علاوه بر مراکزی که کار پژوهشی می‌کنند، باید جایی هم برای درمان اینگونه افراد ایجاد کنیم. همانطور که مرکز درمان سرطان، یا ناباروری افتتاح می‌کنیم، به این افراد هم باید چنین نگاهی داشته باشیم. به هرحال عده‌ای از ناآگاهی رنج می‌برند و حتماً باید آگاه شوند. به درمان نیاز دارند. در دوران تحصیلم در خارج از کشور، می‌دیدم که آنها برای مجرمین‌شان هم کلاس می‌گذارند! برای آنکه سطح جرم را در کشورشان پایین بیاورند، برای آگاهی بزهکاران هم هزینه می‌کنند. حال به این جوانان که مجرم هم نمی‌توان گفت. برخی از این دختران برای کسب درآمد، در ترمینال جذب گروه‌های معاند می‌شوند. باید آن مراکز حمایتگر، به وضعیت این دختران رسیدگی کنند. به نظرم با همکاری ناجا، انجمن مشاورین خانواده و مراکز دیگر، نباید بگذاریم این جوانان جذب آنگونه گروه‌ها شوند. همچنین باید با خانواده‌هایشان رابطه برقرار و در فضای مجازی رصدشان کنیم. این دختران برای رفع اشتباهاتشان، باید اقناع شوند. ما در زمینه حجاب و عفاف، خیلی کلی رفتار کرده و به یک قانون بسنده کرده‌ایم. در حالی که تکیه صرف بر روال حقوقی و قانونی، عده‌ای را به کنشگری متقابل می‌کشاند. دیده‌ام دخترانی را که می‌گویند: ما معتقدیم که نباید با رفتارمان نگاه کسی را جلب کنیم، ولی روسری را هم دوست نداریم! ما باید با او، گفت‌وگوی مخصوص به خودش را داشته باشیم. مسئله این است که ما با هم جمع نشده‌ایم، تا یک پروژه کلان را به پیش ببریم. کاری که می‌کنیم، مثلاً این است که من الان مصاحبه کرده و خیالم راحت است که در رابطه با حجاب و عفاف قدمی برداشتم! حال دیگر اینکه در جامعه چه خبر است، به من ارتباطی ندارد! نظرم را گفتم و مسئولیتم تمام شد! دیگری می‌گوید: در فلان دستگاه، آنقدر بودجه گذاشتم و ۴۰۰ جلسه برگزار کردم. در دورانی که در شورای فرهنگی اجتماعی زنان بودم، گزارشات بعضی از این جلسات را دیدم. مثلاً از وزارت آموزش و پرورش گزارش می‌خواستیم، طرف می‌گفت: ۳۰۰ سمینار برگزار کردم! خب دستت درد نکند، ولی خروجی این جلسات چه بوده است؟ و چند نفر در آنها حضور داشتند؟ به نظرم در شأن هیچ دختر جوانی نیست که به خاطر مسئله حجاب، پایش به کلانتری و قوه قضائیه باز شود، مگر اینکه ثابت شود که عناد یا با ضدانقلاب خارج نشین ارتباط دارد.

با این تفاصیل هنوز مشخص نیست که از دیدگاه شما، آن عامل بازدارنده چه خواهد بود؟

چرا فکر می کنیم که آن عامل، باید ظرف یک ساعت به ما جواب دهد؟ یعنی به طرف مقابل بگوییم که این کار را انجام بده و او هم بلافاصله انجام دهد؟ ما باید در پی حل مسئله باشیم، نه اینکه به طولانی بودنش فکر کنیم. الان مسئولان ما منتظر لایحه حجاب و عفاف هستند که من اصلاً این رفتار را نمی‌فهمم! چون ما مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را داریم. طبق این مصوبات، دستگاه‌ها باید پاسخگو باشند و دستگاه‌های متخلف، لازم است که مجازات شوند. باید آموزش عالی را بابت اتفاقی که در پردیس کیش رخ داد، زیر سؤال ببریم. چون دانشگاه باید کار علمی انجام دهد، نه اینکه چنان وضعیتی داشته باشد. آموزش و پرورش هم باید جوابگو باشد. اینکه بگویند در مدارس مشکل بی‌حجابی نداریم و دختران در بیرون از مدرسه بی‌حجاب هستند، درست نیست. مگر کسی گفت: چرا دختران در مدرسه حجاب ندارند؟ در مدرسه که نامحرم وارد نمی‌شود. غیر از مسئله بی‌حجابی دانش‌آموزان، طیفی از معضلات دیگر نیز به وجود آمده و این بی‌حجابی، تنها به بی‌حجابی منحصر نشده است. مسائلی وجود دارد که قابل گفتن نیست. یکی همین ازدواج سفید که مسئولی در دانشگاه هم از آن دفاع می‌کند! اما مسئولان وزارت علوم، هیچ برخوردی با او انجام نمی‌دهند، حتی به او پست هم می‌دهند! البته این اسم ازدواج سفید را هم، ما روی این نوع رابطه گذاشتیم، وگرنه در غرب اصلاً به آن چنین نامی نمی‌دهند. از یک آقایی پرسیدم: چرا این اسم را برای این نوع از ارتباط گذاشته‌اید؟ گفت: به خاطر اینکه «نوداکیومنت» است! کاری به بحث دینی این مسئله ندارم، اما آیا این رابطه درست است یا غلط؟ اگر درست است، پس آمار مشکلاتی که زنان در این نوع رابطه به آن دچار شده‌اند، چیست؟ البته من در خصوص مشکلاتی که در آینده، این دست روابط برای دختران به‌وجود می‌آورد، در دانشگاه بسیار سخن گفتم. همچنین معتقدم با توجه به آنکه نتایج این نوع رابطه در خارج از کشور مشخص شده، پایش در این زمینه خیلی زمان بَر نیست. تصور نکنید که این پایش، ۱۰ سال زمان لازم دارد. تحقیقات در این زمینه انجام شده و ناجا و آموزش عالی، در خصوص آن اطلاعات خوبی دارند. کافی است که داشته‌های آنها را به یکدیگر پیوند دهیم. می‌توان گروهی را همانند طراحان سؤالات کنکور دور هم جمع کرد که راه‌کار ارائه دهند. به هرحال تا زمانی که جامعه را اقناع نکنیم، نمی‌توانیم صرفاً با فرستادن کسی به قوه قضائیه و جریمه او، این معضل را حل کنیم. قطعاً قانونگذار حق دارد که متخلف را جریمه کند، منتها آن عواملی که موجب این وضعیت شده‌اند، باید جریمه شوند. مثلاً کارمند بانک این کار را انجام می‌دهد، اول او را اقناع کنید. مردمی که در خیابان حضور دارند، کارمندان ادارات و شرکت‌ها هستند. باید به آنها گفت: آقا یا خانمی که می‌خواهید وارد این شرکت شوید، اگر بی‌حجاب وارد شوید، شرکت مجوزش را از دست می‌دهد! اگر گفته شود که کارمندان نمی‌پذیرند، آنگاه باید الزامشان کنید. در یک کلام بنده معتقدم که در مرحله نخست، یعنی مرحله روشنگری و اقناع، بسیاری تسلیم سخن حق می‌شوند، به همین دلیل افرادی که عناد و لجاجت می‌ورزند، تنها خواهند شد و طبعاً شناسایی این عناصر معدود، بسیار آسان‌تر خواهد بود. از سوی دیگر اگر همان معاندان نیز هر روز در جامعه خود را تنهاتر ببینند، دچار ریزش بیشتر می‌شوند و به مرور، بسیاری از آنها جرئت ادامه قبح شکنی را نخواهند داشت.

تداوم وضعیت کنونی در حوزه حجاب، می‌تواند چه آثار و پیامدهایی بر فرهنگ و سبک زندگی جامعه ما داشته باشد؟

معتقدم که تداوم وضعیت کنونی، اول به خود فردِ بی‌حجاب آسیب می‌زند و هویت را از دختران ما می‌گیرد. ادامه این وضعیت، زمینه ساز روابط آزاد و بی‌حد و مرز است. در اینگونه روابط آزاد، دختران جوان و حتی خانم‌ها به شدت آسیب‌پذیر هستند. چراکه دلبستگی و وابستگی عاطفی پیدا می کنند و سپس زده و منزجر می‌شوند! در چنین شرایطی، افراد دلزده نمی‌توانند یک زندگی پایدار و خوب داشته باشند. یکی از دانشجویان رشته مهندسی‌ام، در حالی که شوهر خوبی داشت، می‌گفت: نمی‌توانم با شوهرم زندگی کنم، چون برای خودم دوستان مرد دیگری هم دارم! معتقدم که اینگونه دختران، نمی‌توانند پایبند خانواده شوند و دائم بین مردان مختلف در حال انتخاب هستند! حتی بعضی وقت‌ها، مرور گذشته در شرایط زندگی مشترک، منجر به طلاق می‌شود. وقتی آمار طلاق در جامعه بالا برود، از نظر اجتماعی و فرهنگی، آن جامعه ناپایداری بیشتری پیدا می کند. دختر ۲۲ ساله‌ای که طلاق گرفته، در جامعه مورد آسیب قرار می گیرد و خود نیز آسیب‌زاست. اشکالات فرهنگی این مسئله، بسیار است و ما باید برای آن فکر و برنامه‌ریزی کنیم. در غیر اینصورت خانواده از پایبندی و پایداری خارج و فرزندآوری کم می‌شود. در جامعه، دختری که تنوع طلب شود و زیبایی‌هایش را به منصه ظهور بگذارد، مشکلات فراوانی را به‌وجود می‌آورد. این مسائل در جوامع غربی رخ داده و ما در این باره، نیاز زیادی به بررسی نداریم. جوامع غربی این آزمایش را انجام دادند و شاهد از بین رفتن کانون خانواده بوده‌اند. در چنین خانواده‌هایی، فرزندان در محیط امن و آرام رشد نمی کنند. اینها فرآیندهای اجتماعی است که در فرهنگ اصیل ما جایی نداشته است. مردمان ما، خوب و با ایمان هستند. همین دختران بی‌حجاب ما، اغلب‌شان با ایمان هستند. چون همین دختران، در شب‌های احیا و مراسم‌های اعتکاف و عزاداری حضور پیدا می کنند. در روز عاشورا و ایام فاطمیه، لباس مشکی می‌پوشند. من این دختران را می‌بینم که همیشه دعا و قرآن می‌خوانند. این دختران پایبندند، ولی با آسیب‌هایی هم روبه‌رو هستند. ما با بی‌تفاوتی‌ها یا بی‌برنامگی‌های‌مان، واقعاً به این بخش از جامعه لطمه می‌زنیم و آنها را از این پایبندی‌های ارزنده دور می کنیم. کم رنگ شدن اعتقادات موجب می‌شود، تا در جامعه اتفاقاتی بیفتد که به نفع هیچکس نخواهد بود.

اشاره کردید که در ارجاع جوانان به حجاب اسلامی، پس زمینه های دینی ذهن و رفتار آنها مؤثر خواهد بود. وجود این نوع عقاید، معمولاً در کدام بخش از زندگی این سنخ افراد خودنمایی خواهد کرد؟

به عنوان نمونه، موضوع روز ما کشتار غزه است و هرچه غزه دارد، از همین نماز و پایبندی به دین است. وگرنه محال بود که این مردم بتوانند با جنایاتی که در حقشان شده است، همچنان مقاومت کنند. جامعه ما در نگاه کلی، مبتنی بر باورهای دینی است. ما قطعاً باید از این ظرفیت استفاده کنیم. نمی گویم به اجبار و زور این کار را انجام دهیم، اما به طور مثال، چرا تا به‌حال یک فیلم در مورد فواید یک خانواده سالم و پاک - که هیجان خود را هم داشته باشد- تولید نکرده‌ایم؟ ما حتی در فیلمی هم که در مورد برزخ و مرگ ساختیم، نشان دادیم که طرف در آن عالم دوست دختر پیدا می کند! یعنی تئاتر و فیلم و فرهنگ ما، اصلاً دنبال اینگونه مباحث نیست. ملاکی برای آشنایی به هنجار و صحیح یک دختر و پسر در مکان‌های عمومی، حتی در دانشگاه و خیابان وجود ندارد. بسیار داشته‌ایم که دختر و پسری در اماکن عمومی و حتی خیابان آشنا شده‌اند و پس از آن هم راه صحیح را پیموده و ازدواج کرده‌اند. یکی بعد از ۱۰ مورد دوستی ازدواج کرده است، یکی نه، این اولین انتخابش است. مباحث روانشناسی می گوید میزان وابستگی و عشق ورزی در خانواده‌هایی که ازدواج با اولین انتخابشان صورت گرفته، بیشتر است. عشق ورزی در آنها، چندین برابر آن خانواده‌هایی است که بعد از روابط گوناگون، ازدواج در آنها انجام گرفته است. افراد تنوع طلب، اساساً عشق را لمس نمی کنند. برای اینکه دائماً در حال مقایسه هستند.